



حارف و احدناران

# گرایش به میلیتاریزم در حوزه خزر

پس از به قدرت رسیدن جرج بوش پدر مبتنی بر "نظم نوین جهانی" با هدف جلوگیری از ظهور قدرت هم‌تراز آمریکا در صحنه بین‌المللی و مهار بحران‌های مختلف در جهان، از جمله مهار دو گانه (ایران و عراق) بود.

در حالی که اتخاذ چنین سیاستی با مخالفت‌های سایر قدرت‌های جهانی همراه بود، جانشین وی بیل کلینتون که از حزب دموکرات به قدرت رسیده بود همان سیاست را در قالب دیگری چون "مشارکت و گسترش" ادامه داد. اما با به قدرت رسیدن دوباره جمهوری خواهان و حوادث ۱۱ سپتامبر، چرخش‌هایی در سیاست خارجی این کشور مشاهده شد. گروه سیاست خارجی آمریکا به جای سیاست نظم نوین جهانی و مشارکت و گسترش، این بار "جنگ پیشگیرانه" را در دستور کار خود قرار داد. بر اساس این راهبرد، در صورتی که آمریکایی‌ها احساس کنند گروه و یا کشوری سرکش قصد دستیابی به سلاح‌های گشتار جمعی را دارد و احتمال بدهند که این موضوع در آینده به منافع آمریکا ضربه بزند، حق دارند بر مبنای راهبرد جنگ پیشگیرانه به این کشور یا گروه یاغی حمله کنند.

در واقع، این سیاست بر مبنای مبارزه با تروریسم، مبارزه با حکومت‌های مستبد، دفاع از صلح و به ویژه ایجاد رابطه خوب با قدرت‌های بزرگ برنامه‌ریزی شده است. چرا که آمریکا معتقد است عمدتاً قدرت‌های بزرگ این کشور را تهدید نمی‌کنند بلکه گروه‌های تروریستی کوچک و کشورهای یاغی جهان سوم هم قادرند به منافع آن‌ها ضربه بزنند و کشورهای قدرتمند عمدتاً مورد تهدید این گروه‌ها هستند.

این سیاست به شدت مورد استقبال قدرت‌های بزرگ، به ویژه روسیه، واقع شد. از این رو، در جریان سفر ماه گذشته جرج دبیلو بوش به روسیه، پوتین با در اغوش کشیدن همتای آمریکایی خود، او را دوست خود خواند و به وی قول همکاری همه‌جانبه علیه تروریسم را داد. وی پیشتر هم به رغم مخالفت و نگرانی محافل سیاسی و نظامی این کشور اعلام کرده بود که حضور نیروهای آمریکایی در منطقه آسیای میانه و قفقاز برای روسیه نگران‌کننده نیست.

به نظر می‌رسد رسکوت ولادیمیر پوتین برای حضور نیروهای آمریکایی در حیاط خلوت روس‌ها ناشی از چراغ سبزی است که کاخ سفید برای سرکوب شورشیان و جدایی خواهان چچنی از خود نشان می‌دهد.

در حالی که از چند ماه پیش اعلام شده بود سر فرماندهی نیروهای ویژه آمریکا از شاخ آفریقا به آسیای میانه قفقاز منتقل خواهد شد، رسانه‌های خبری ماه گذشته از استقرار ۱۵ هزار نیروی آمریکایی در قفقاز خبر دادند. به دنبال آن، یک روزنامه چاپ باکو محورهای حمله آمریکا به ایران را بررسی کرد و با اشاره به این نکته که ایران پس از عراق هدف آمریکایی‌هاست قفقاز را یکی از محورهای حمله به ایران دانست. اما ژنرال چارلز والد، معاون فرماندهی نیروهای آمریکایی در اروپا مدعی شد پایگاه‌های نظامی آمریکا صرفاً با هدف تأمین امنیت منافع غرب در طرح‌های انرژی حوزه خزر ایجاد خواهد شد.

تحولات اخیر در حوزه دریای خزر در شرایطی صورت می‌گیرد که سازمان‌ها و قدرت‌های جهانی، مانند ناتو، آمریکا، روسیه و حتی چین، به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، تلاش زیادی برای گسترش نفوذ خود در منطقه آسیای میانه و قفقاز آغاز کرده‌اند. به طوری که ژنرال تامی فرانکس فرمانده نیروهای مرکزی آمریکا که ۲۵ کشور در خاور میانه، آسیا، جنوب شرقی آسیا، شاخ آفریقا را تحت پوشش دارد، در بازدید از جمهوری‌های آسیای میانه قول افزایش کمک‌های نظامی آمریکا به این جمهوری‌ها را داد.

البته نباید اشتیاق جمهوری‌های تازه استقلال یافته را برای استقرار پایگاه نظامی و حرفه‌ای شدن ارتش خود به کمک آمریکا نادیده انگاشت. چنان که بلافاصله پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، چهار کشور از پنج کشور آسیای میانه تأسیسات نظامی خود را در اختیار آمریکا قرار دادند و در این زمینه قزاقستان نخستین کشوری بود که خرداد ماه سال گذشته به جمع ۲۰ کشور روند برنامه‌ریزی و تحلیل ناتو پیوست.

در واقع، افزایش توجه آمریکایی‌ها به منطقه آسیای میانه و قفقاز از ایجاد نوعی خلأ قدرت پس از فروپاشی شوروی و تغییر در سیاست خارجی آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر نشئت می‌گیرد. سیاست خارجی آمریکا در دود دهه گذشته و

تاریخچه